

www.salampnu.com

سایت مرجع دانشجوی پیام نور

- ✓ نمونه سوالات پیام نور : بیش از ۱۱۰ هزار نمونه سوال همراه با پاسخنامه
- تستی و تشریحی
- ✓ کتاب ، جزوه و خلاصه دروس
- ✓ برنامه امتحانات
- ✓ منابع و لیست دروس هر ترم
- ✓ دانلود کاملاً رایگان بیش از ۱۴۰ هزار فایل مختص دانشجویان پیام نور

www.salampnu.com

نام درس: ساخت زبان فارسی
نام منبع: توصیف ساختمان دستوری
زبان فارسی

تالیف: محمدرضا باطنی

تعداد واحد: 2

تهیه کننده: بلقیس روشن

- دیباچه
- نظریه زبانی مقوله و میزان
- مقولات دستوری نظریه عمومی زبان
- ساختمان جمله
- ساختمان بند
- ساختمان گروه فعلی
- ساختمان گروه اسمی
- ساختمان گروه قیدی
- ساختمان کلمه

اهداف

هدف از ارائه این درس آشناسازی دانشجویان با ساختار نحوی زبان فارسی در چارچوب یکی از نظریه های عمومی زبان به نام نظریه مقوله و میزان می باشد.

موقعیت درس

با توجه به اینکه دانشجویان رشته مترجمی متون مختلف را از انگلیسی به فارسی (و بالعکس) ترجمه می کنند لازم است از اطلاعات دقیق و جامع درباره ساختار نحوی و لغوی زبان فارسی برخوردار باشند.

ساخت زبان فارسی

فصل اول

دیباچه

ساخت زبان فارسی

توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی بر
بنیاد یک نظریه عمومی زبان

ساخت زبان فارسی

تعریف زبان:

زبان دارای جنبه‌های فراوانی است و می‌توان آنرا از دیدگاه‌های مختلف تعریف کرد؛ از دیدگاه جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان، روانشناسان، فیلسوفان و منطقیان، مهندسان ارتباط، ریاضی دانان و ...

ساخت زبان فارسی

زبان از دیدگاه زبان‌شناسان:

زبان‌شناسان زبان را بخاطر خود زبان مطالعه می‌کنند و آنرا براساس زمینه فکری و مکتب خاصی که به آن تعلق دارند تعریف می‌کنند.

ساخت زبان فارسی

کارکرد زبان:

زبان از دو طرف با دنیای مادی بیرون مربوط است:

۱- امواج انرژی صوتی (= ماده)

۲- وقایع دنیای بیرون که امواج انرژی در رابطه با آنها بکار می‌روند (= محیط)

ساخت زبان فارسی

زبان رابطه‌ای است که زبانهای مختلف بطور
متفاوت بین امواج انرژی صوتی و وقایع
دنیای بیرون برقرار می‌کنند.

ساخت زبان فارسی

امواج انرژی صوتی یکنواخت و یکپارچه
نیستند، بلکه دارای طرحهای متفاوتی
هستند؛ زبانهای جهان بطور متفاوت بین
این طرحها و محیط رابطه برقرار می کنند.

ساخت زبان فارسی

مثال: «او رفت» در چهار زبان فارسی، عربی،
انگلیسی و فرانسه



ساخت زبان فارسی

ساختمان زبان:

مجموعه الگوهای صوتی و نظامی که بین آنها قرار دارد.

ساختمان زبان قشری و انتزاعی است.

ساخت زبان فارسی

دستور

زبان «دستگاهی از دستگاههاست»:

۱- دستگاه دستوری

۲- دستگاه واژگانی

۳- دستگاه صوتی

ساخت زبان فارسی

هریک از این دستگاهها به نوبه خود دستگاههای فرعی دیگری را در بردارند.

ساخت زبان فارسی

زبان فارسی، مانند هر زبان دیگر، از اجتماع گونه‌های فراوانی تشکیل شده است که به منزله افراد این مفهوم کلی و مجرد هستند.

ساخت زبان فارسی

هنگام بحث از ساختمان زبان فارسی لازم است گونه مورد نظر مشخص شود. در بسیاری از کتابهای دستور فارسی گونه‌های زبان مخلوط شده‌اند.

ساخت زبان فارسی

توصیف یعنی بیان چگونگی گونه زبانی مورد
نظر بدون هیچ نوع قضاوت.

توصیف در مقابل تجویز قرار می‌گیرد که در
آن در خط سیر طبیعی زبان عملاً دخالت
می‌شود.

ساخت زبان فارسی

نظریه عمومی زبان یعنی تدوین وجوه
اشتراک زبانها.

- نظریه عمومی زبان به بیان این موضوع
می پردازد که زبان بطور مطلق چگونه کار
می کند.

- نظریه عمومی زبان بر اساس استقراء ناقص
قرار دارد.

ساخت زبان فارسی

اصول نظریه عمومی زبان:

ادعا می‌شود که این اصول بر کلیه زبانهای جهان قابل انطباق است.

مثال از نظریه‌های عمومی زبان:

۱- نظریه گشتاری (چامسکی)

۲- نظریه مقوله و میزان (هالیدی)

ساخت زبان فارسی

عیوب دستور زبانهای فارسی موجود:

- ۱- نداشتن نظریه
- ۲- مخلوط کردن گونه‌های زبان
- ۳- تجویز برای زبان
- ۴- تحمیل مقولات زبانهای بیگانه
- ۵- مخلوط کردن صورت و معنا

ساخت زبان فارسی

رابطه صورت و معنا

- زبان عبارتست از شبکه روابطی که بین اجزاء سازنده آن وجود دارد.

- صورت (= ساختمان) زبان از مجموعه این روابط به وجود می آید.

ساخت زبان فارسی

– معنای زبان نقشی است که این طرحها در ارتباط با جهان بیرون بازی می کنند.

ساخت زبان فارسی

فصل دوم

نظریه‌های زبانی مقوله و میزان

ساخت زبان فارسی

نظریه زبانی مقوله و میزان

براساس این نظریه همه زبانهای جهان از امواج صوتی در گفتار و از نشانه‌های دیداری در نوشتار بعنوان ماده اولیه استفاده می‌کنند تا درباره جهان بیرون و دریافت انسان از آن بحث کنند.

ساخت زبان فارسی

فونولوژی (Phnology)

فونولوژی یا دستگاه صوتی زبان عبارتست از
منتزع کردن خصوصیات ممیز ماده صوتی
و تنظیم آنها در یک شبکه یا دستگاه.

ساخت زبان فارسی

خصوصیات ممیز یا واجی:

پاره‌ای از خصوصیات ماده صوتی که دارای نقش بامعنایی در زبان هستند و می‌توانند واجی را به واج دیگر تبدیل کنند.

مثال:

par / bar

ساخت زبان فارسی

از نظر آواشناسی عضوی تضادهای صوتی که در تمایز واجهای صامت مؤثرند عبارتند از:

(۱) واجگاه؛ (۲) نحوه تولید؛ (۳) واک

مثال از صامتهای بیواک:

واج /P/ دو لبی و انسدادی است، در حالیکه

واج /S/ لثوی و سایشی است.

ساخت زبان فارسی

زبانهای مختلف، خصوصیات مختلفی را به عنوان خصوصیات ممیز بکار می‌برند.

مثال: دمش در زبان فارسی غیرممیز و در زبان سندی ممیز است.

سندی: /P/ و /P^h/ دارای تقابلند.

ساخت زبان فارسی

تکیه، آهنگ و درنگ نیز موجب تمایز معنا می‌شوند.

مثال: /valí/ و /váli/ -

- «می‌روی.» و «می‌روی؟»

- «ما همه/ کار می‌کنیم.» و «ما هم کار

می‌کنیم»

ساخت زبان فارسی

خصوصیات ممیز در خط:

در خط نیز تنها برخی از جزئیات نشانه‌های دیداری خطی ممیز هستند.

مثال: ص و ح در کلماتی نظیر صوری و حوری

ساخت زبان فارسی

دستگاه خط: انتزاع خصوصیات ممیز از نشانه‌های دیداری خطی و تنظیم آنها در یک شبکه.

– نکته: خط نماینده صد در صد واقعی دستگاه صوتی نیست.

ساخت زبان فارسی

الگوهای دستوری و واژگان زبان از طریق
دستگاه صوتی و دستگاه خطی به صورت
صوت یا خط نمایانده می‌شوند.

ساخت زبان فارسی

جنبه صوری زبان

دستور و واژگان بر روی هم جنبه صوری
زبان را تشکیل می‌دهند.

– دستور: جایگاه عملکرد طبقات بسته

– واژگان: جایگاه عملکرد طبقات باز

ساخت زبان فارسی

بافت چیست؟

شبکه روابطی است که بین صورت زبان
(یعنی دستور و واژگان) و جهان بیرون
وجود دارد و معنای خارجی زبان را
تشکیل می‌دهند.

ساخت زبان فارسی

معنای خارجی زبان: مجموعه خصوصیات
ممیز محیط.

به سخن دیگر می توان گفت که بافت
عبارتست از انتزاع خصوصیات ممیز محیط
و تنظیم آنها در یک شبکه.

ساخت زبان فارسی

هیچ زبانی همه خصوصیات محیط را بعنوان خصوصیات ممیز تشخیص نمی‌دهد.

مثال: جمله «می‌رفتی.»

۱- از دیدگاه دستگاه صوتی: جمله دارای ۷ واج است؛ تکیه روی هجای اول آن قرار دارد و آهنگ آن افتان است.

ساخت زبان فارسی

۲- از نظر صورت: جمله به عناصر دستوری
و واژگانی تقسیم می‌شود:

$mi + raf + t + i$

عناصر دستوری: $mi-$, $t-$, i 1)

عنصر واژگانی: raf 2)

ساخت زبان فارسی

۳- این جمله به یک اتفاق در جهان خارج اشاره می کند و اطلاعاتی از آن بدست می آید، برای مثال اینک:

۱. رونده یک نفر بوده است.

۲. رونده مخاطب بوده است.

۳. عمل در گذشته انجام گرفته است.

ساخت زبان فارسی

معنی صوری: ارزشی که یک عنصر
ساختمانی در شبکه روابط دستوری زبان
بخود می‌گیرد.

مثال: صیغه جمع در عربی و فارسی

- فارسی: جمع در تضاد با مفرد

- عربی: جمع در تضاد با مفرد و تثنیه

ساخت زبان فارسی

فصل سوم

مقولات دستوری نظریه عمومی
زبان

ساخت زبان فارسی

زبان روی دو محوری کار می کند:

۱- محور زنجیری

۲- محور انتخابی

ساخت زبان فارسی

محور زنجیری: نماینده تسلسل یا توالی
عناصر سازنده زبان در روی بعد زمان.

مثال:

«او شاگرد خوبی است.»

ساخت زبان فارسی

محور انتخابی: نماینده امکانات گوناگونی
است که در هر نقطه از زنجیر گفتار در
اختیار گوینده قرار دارد تا از میان آنها
یکی را برگزیند.

مثال: او شاگرد خوبی است.

معلم شایسته‌ای

فرزند مهربانی

ساخت زبان فارسی

کار زبان روی این دو محور شبیه دستگاه عدد نویسی است.

→
۲۷۹۳۷

مثال:

ساخت زبان فارسی

اصول کارکردی دستگاه عدد نویسی:

۱- داشتن ده علامت مختلف (۰-۹)

۲- امکان توالی‌های مختلف علائم روی

محور زنجیری

۳- امکان تکرار یک علامت در روی محور

زنجیری

ساخت زبان فارسی

مثال از زبان:

«من می خوردم.»

این جمله دارای ۵ واژک است که برای

سهولت تحلیل دو تای آنها بعنوان یک

واژک در نظر گرفته می شود:

من^۱ + می^۲ + خور^۳ + د^۴ + م^۴

ساخت زبان فارسی

واژک یعنی کوچکترین جزء معنی داری که
در ساختمان صوری زبان دارای نقشی
باشد.

ساخت زبان فارسی

اختیاری بودن یا اجباری بودن انتخاب:

- من می خوردم.

- Ø می خوردم.

انتخاب فاعل در این جمله اختیاریست، اما

انتخاب « - م » اجباری.

ساخت زبان فارسی

تحلیل جمله «من می‌رفتم.» از نظر دستگاه
صوتی زبان:

man miraftam

دارای ۱۱ واج است که دو تای آنها سه بار
تکرار شده‌اند.

ساخت زبان فارسی

واج آرایی: قوانین حاکم بر ترکیب واجها.

amn

مثال:

man

nam

*mna

اختیار انتخاب مطلق نیست.

ساخت زبان فارسی

محاسبات نظری نشان داده است که از دیدگاه نظری، بدون در نظر گرفتن ترکیباتی که در آنها یک واج تکرار شده است، می‌توان با ۳۰ واج ۲۴۳۶۰ کلمه سه واجی ساخت.

ساخت زبان فارسی

اصول کارکردی دستگاه صوتی زبان فارسی:

۱- داشتن بیش از یک علامت (۳۰ واج)

۲- امکان تکرار یک علامت (ma:m)

۳- امکان ترکیب علائم به طرق مختلف

ساخت زبان فارسی

در نظریه مقوله و میزان برای دستور

چهار مقوله وجود دارد.

۱- واحد (Unit)

۲- ساختمان (Structure)

۳- طبقه (Class)

۴- دستگاه (System)

ساخت زبان فارسی

واحد:

زبان دارای طرح است، لذا الزاماً باید قابل تقسیم به واحدهایی باشد.

ساخت زبان فارسی

نتایجی که نظریه مقوله و میزان از موضوع فوق می‌گیرد:

- ۱- تمام زبانهای جهان در روی محور زنجیری قابل تقسیم به واحدهایی هستند.
- ۲- تعداد این واحدها از یکی بیشتر است.
- ۳- واحدهای زبان از نظر اندازه یکسان نیستند.

ساخت زبان فارسی

۴- واحدهای کوچکتر در ساختمان

واحدهای بزرگتر بکار می‌روند، مثال:

۱- واژک در ساختمان کلمه بکار می‌رود.

۲- کلمه در ساختمان گروه بکار می‌رود.

۳- گروه در ساختمان بند بکار می‌رود.

ساخت زبان فارسی

واحد‌های زبان فارسی از بزرگتر به کوچکتر:

جمله

بند

گروه

کلمه

واژک

ساخت زبان فارسی

وضع هر واحد را نسبت به واحد بالاتر و پایین تر از خود مرتبه (Rank)، و وضع همه آنها را نسبت بهم سلسله مراتب (Rank Scale) می نامند.

ساخت زبان فارسی

یک یا چند واحد از یک مرتبه در ساختمان
واحدی که بلافاصله در بالای آن قرار
گرفته بکار می‌رود.

بنابراین، عناصر ساختمانی یک واحد،
واحدهای مرتبه پایین‌تر هستند.

ساخت زبان فارسی

مثال از مرتبه:

«این پسر خوب»

عناصر ساختمانی این گروه، بعنوان یک واحد زبان فارسی، کلمات (یعنی واحدهای مرتبه پایین تر) هستند.

ساخت زبان فارسی

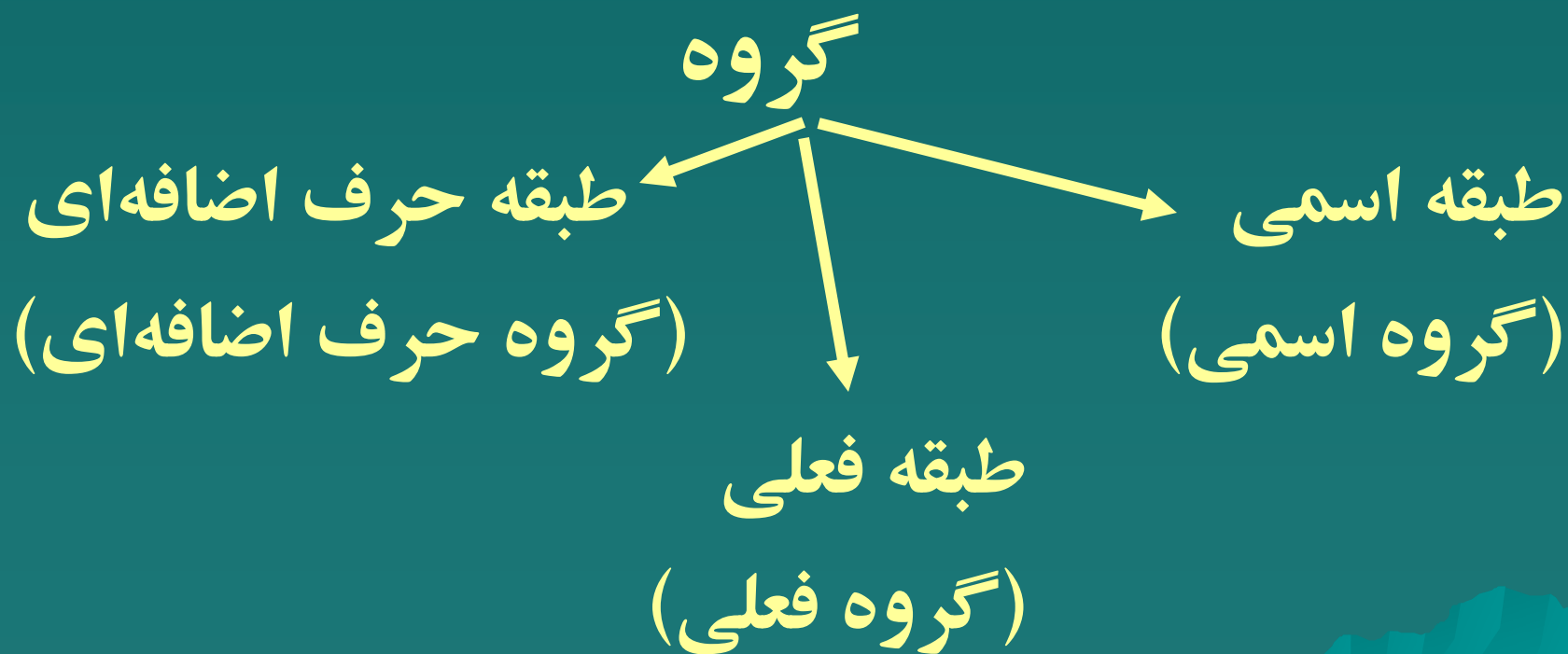
آیا واژک دارای واحد ساختمانی است؟
- خیر. زیرا واژک کوچکترین واحد
ساختمانی است که در پایین ترین مرتبه
قرار می گیرد.

ساخت زبان فارسی

طبقه: واحدهای یک مرتبه (مثلاً، مرتبه گروه)
به لحاظ نقشی که در ساختمان واحد بالاتر
(مثلاً، بند) ایفا می کنند متفاوت هستند و
بنابراین، در گروه بندی های مختلف ظاهر
می شوند.

ساخت زبان فارسی

مثال از طبقه:



ساخت زبان فارسی

مثال از طبقه:

«این یک جلد پایان نامه نباید برداشته شود.»

طبقه اسمی طبقه فعلی

در واقع، در اینجا دو گروه وجود دارد که متعلق به دو طبقه مختلف هستند.

ساخت زبان فارسی

گروه اسمی در جمله جایگاه مسندالیه را
اشغال می کند، در حالیکه گروه فعلی در
جایگاه اسناد قرار می گیرد.

– مسندالیه: مس

– اسناد: ا

ساخت زبان فارسی

دستگاه:

نماینده امکاناتی است که گوینده می تواند
از میان آنها یکی را انتخاب کند. دستگاه
مربوط به سازمان یا گروه بندی داخل
طبقه است.

ساخت زبان فارسی

خصوصیات دستگاه:

۱- تعداد امکانات یک دستگاه مشخص و قابل شماره است.

۲- امکانات یک دستگاه مانع^{۱۱} الجمع هستند.

۳- امکانات یک دستگاه را می توان بطریق منفی هم تعریف کرد.

ساخت زبان فارسی

۴- اگر امکان تازه‌ای در دستگاه وارد شود،
معنی امکانات دیگر را در شبکه تغییر
می‌دهد.

ساخت زبان فارسی

مثال از دستگاه:

طبقه گروه اسمی در داخل خود می تواند به طبقات کوچکتری تقسیم شود که این امر دستگاههای مختلف گروه اسمی را به وجود می آورد، مثال: دستگاه عدد.

ساخت زبان فارسی

طبقه گروه اسمی ← طبقه مفرد
← طبقه جمع

ساخت زبان فارسی

ساخت زبان فارسی

میزان:

رابطه پیوسته بین چند عنصر یا چند عامل که در یک طرف نشان دهنده حداقل و در طرف دیگر، نشان دهنده حداکثر یک خصوصیت است.

ساخت زبان فارسی

میزانهای دستوری:

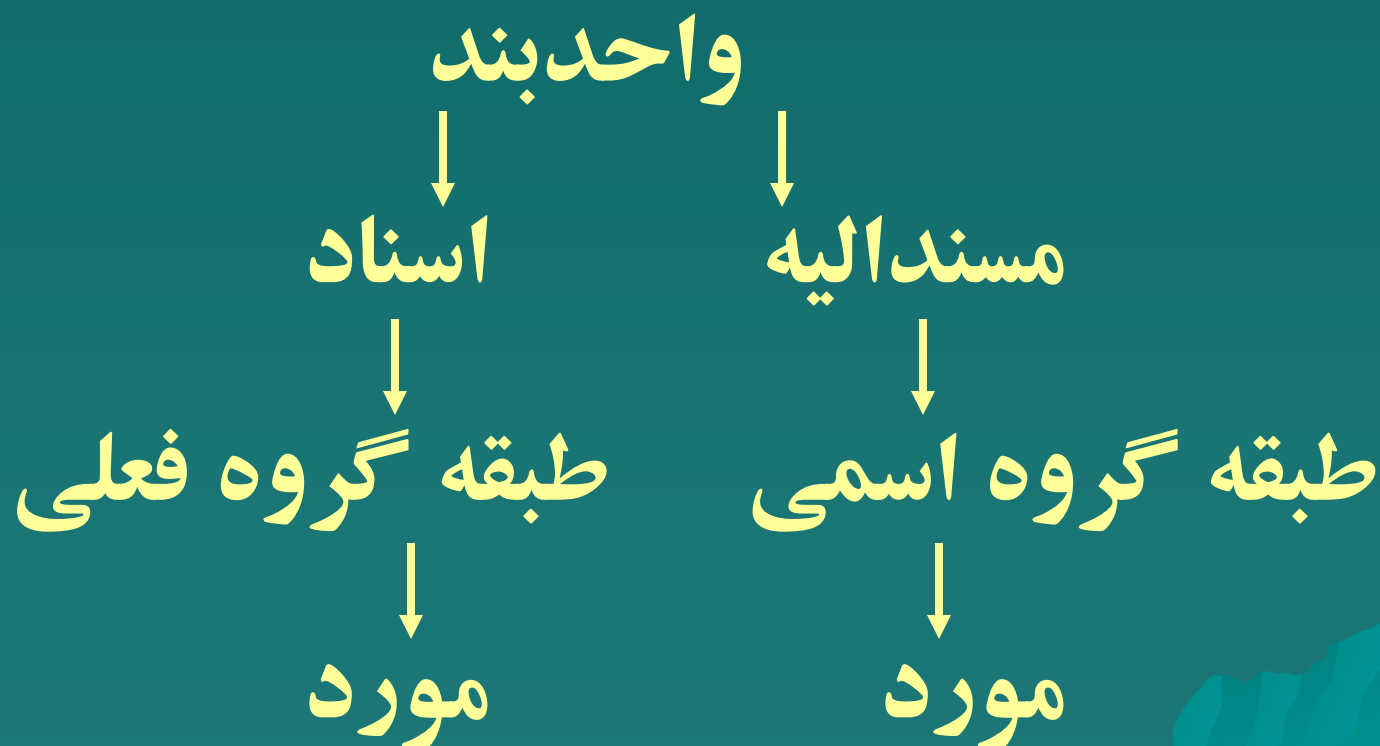
۱- میزان مراتب / سلسله مراتب

۲- میزان نمود

۳- میزان تحلیل

ساخت زبان فارسی

میزان نمود:



ساخت زبان فارسی

میزان تحلیل:

نشان دهنده ظرافتی است که ما در تجزیه و

تحلیل یک قطعه زبان نشان می‌دهیم.

میزان تحلیل دارای سطح فوقانی و سطح

تحتانی و سطوح میانی است.

ساخت زبان فارسی

واحد واژگون (مرتبه): واحدی است که در ساختمان واحد همپایه پایین تر از خود بکار می رود، مثال:

بندواژگون

«مردی (که پسر بچه ۱۳ ساله‌ای را ... کشته بود)»

دیروز به اعدام محکوم شد.»

ساخت زبان فارسی

مثالهای دیگر از بند واژگون (مرتبه):

۱- (آنچه می دانم) کافی نیست.

۲- مرغ (پر کنده): مرغی که پرش کنده شده است.

۳- زندگی (برباد رفته): زندگی که برباد رفته است.

ساخت زبان فارسی

(مثالهای ۲ و ۳ دارای بندهای واژگون با
تاویل هستند.)

ساخت زبان فارسی

روابط صوری در واژگان:

به جملات زیر توجه کنید:

- ۱- بچه‌ها همسایه‌ها را عصبانی کردند.
- ۲- خیانت‌ها پیمانچه‌ها را تلویحه کردند.
- ۳- بچه‌ها اقیانوسها را ماست مالی کردند.

ساخت زبان فارسی

- جمله (۱) منطبق بر هنجارهای زبانی است.
- جمله (۲) دارای تعدادی واژه نادرست است.
- جمله (۳) دارای طرح واژگانی نابهنجار است.

ساخت زبان فارسی

انتخاب اولین کلمه عملاً انتخاب واژه یا
واژه‌های بعدی را در روی زنجیر گفتار
محدود می‌سازد، مثال:

۱- گربه سفید؛

سیاه

*تاریک

۲- جیغ کوتاه

بلند

*غلیظ

ساخت زبان فارسی

هم نشینی (Collocation):

سازگاری افراد طبقات در روی زنجیر گفتار.

ساخت زبان فارسی

دسته مثبت: کلماتی که می‌توانند با هم

هم نشینی داشته باشند، مثال:

هوای تمیز؛ هوای پاک؛ هوای تازه

دسته منفی: کلماتی که نمی‌توانند با هم

همنشینی داشته باشند، مثال:

هوای خسته؛ هوای کوتاه؛ هوای دور

ساخت زبان فارسی

طرح واژگانی هنجار نتیجه انتخاب از
دسته‌های مثبت در هر نقطه از زنجیر گفتار
و هم نشینی مثبت بین واژه‌ها می‌باشد.

ساخت زبان فارسی

فصل چهارم

ساختمان جمله

ساخت زبان فارسی

تعریف ساختمان‌ی جمله: جمله واحدی از زبان فارسی است که از یک بند یا بیشتر ساخته شده باشد.

انواع جمله: (۱) جمله هسته‌ای

(۲) جمله خوشه‌ای

ساخت زبان فارسی

جمله هسته‌ای از یک هسته‌ی مرکزی و اجباری به علاوه تعدادی وابسته اختیاری تشکیل می‌شود، مثال:

۱: تو حتماً برو

هسته

ساخت زبان فارسی

۲: اگر او تلفن کرد تو حتماً برو و الا او می رنجد



ساخت زبان فارسی

فرمول کلی جمله هسته‌ای: هـ (و)

هـ: هسته

و: وابسته

–: نماینده امکان تکرار

نکته: وابسته‌ها در قشرهای مختلف به هسته

می‌پیوندند.

ساخت زبان فارسی

بند: واحدی که در ساختمان جمله بکار می‌رود. بند دارای دو طبقه متمایز است:

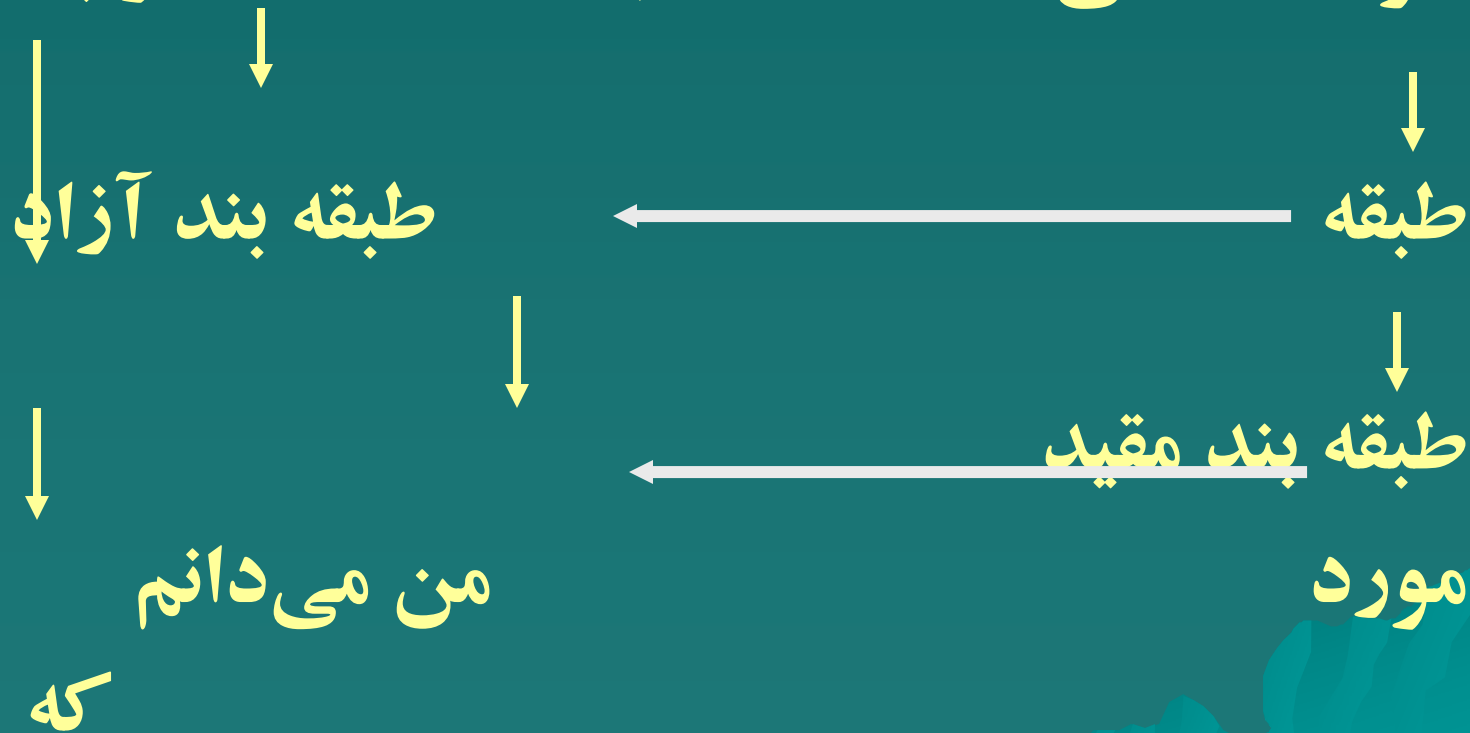
۱- طبقه بند آزاد که جایگاه هسته را اشغال می‌کند.

۲- طبقه بند مقید که جایگاه وابسته را اشغال می‌کند.

ساخت زبان فارسی

میزان نمود طبقات بند:

عنصر ساختمانی ← ساختمان جمله ← هسته وابسته



دیوید...

ساخت زبان فارسی

ساخت زبان فارسی

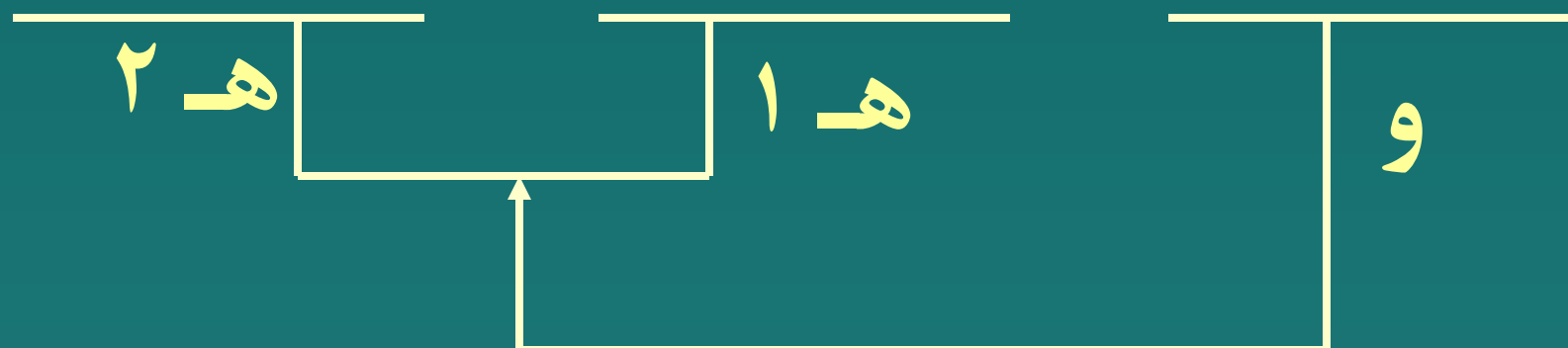
ملاک صوری برای تشخیص بند مقید از بند آزاد وجود یکی از عناصر پیونده در بند مقید و عدم آن در بند آزاد است.

– عناصر پیونده: اگر، چنانچه، بطوریکه، هرگاه، که، تا، و الا

ساخت زبان فارسی

هسته‌های دو قلو و چند قلو، مثال:

اگر تلفن کرد تو حتماً برو و او را ببین



ساخت زبان فارسی

تکرار (Recursion):

۱- تکرار همپایه، مثال:

«پسر بچه زنبیل خود را روی زمین نهاد،

۱-ه

بسته قرمز رنگی را بیرون آورد،

۲-ه

ساخت زبان فارسی

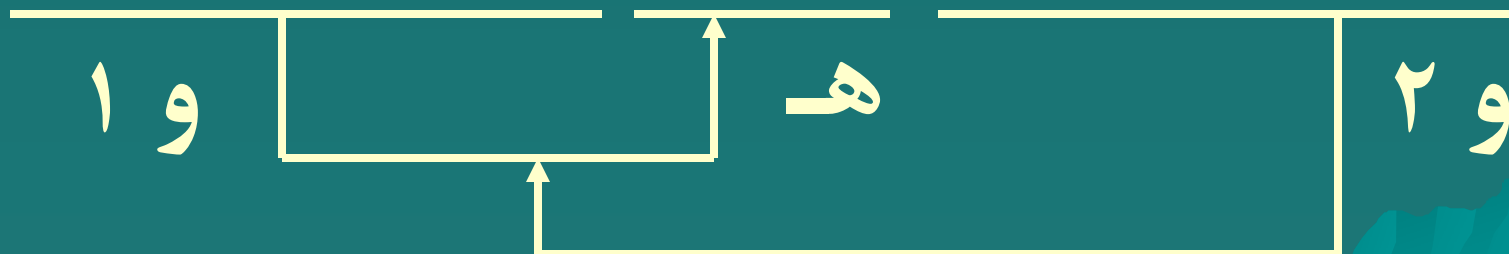
دوباره زنبیل را برداشت و براه افتاد.»

هـ ۴

هـ ۳

۲- تکرار ناهمپایه، مثال:

چون شما اصرار کردید من گفتم که آنرا برگردانند.



ساخت زبان فارسی

نکته: تکرار هسته همیشه از نوع همپایه است،
اما تکرار وابسته می تواند از نوع همپایه و
ناهمپایه هر دو باشد.

ساخت زبان فارسی

مثال از تکرار وابسته بصورت همپایه:

اگر او بیاید و اگر هوا خوب باشد به کنار دریا می‌رویم



ساخت زبان فارسی

وضعیت وابسته‌ها از نظر توالی نسبت به هسته:

۱- وابسته‌های ثابت

۲- وابسته‌های متغیر: قبل از هسته

{
بعد از هسته
بین هسته

ساخت زبان فارسی

خصوصیات وابسته‌های ثابت:

۱- توالی آنها تغییرناپذیر است و همیشه بعد از هسته یا وابسته دیگری قرار می‌گیرند.

۲- دارای عامل پیونده «که» هستند.

۳- درجه وابستگی در آنها شدید است و بلافاصله به آنچه قبل از آنها است برمی‌گردند

ساخت زبان فارسی

مثال از وابسته‌های متغیر:

الف: اگر تو خرجش را قبول کنی او این کار را
می‌کند (وهـ)

ب: او این کار را می‌کند اگر تو خرجش را قبول
کنی (هـ و)

ج: او این کار را اگر تو خرجش را قبول کنی
می‌کند (هـ < و >)

ساخت زبان فارسی

انشعاب در تکرار همپایه رخ می‌دهد و در آن
قسمتی از ساختمان بند به قرینه حذف
می‌شود، مثال:

ساخت زبان فارسی

دیر یا زود باید نظام کهنه اجتماعی
(مشترک در هر دو بند)

← برچیده شود

و

← جای خود را به نظام نوی بدهد که ...

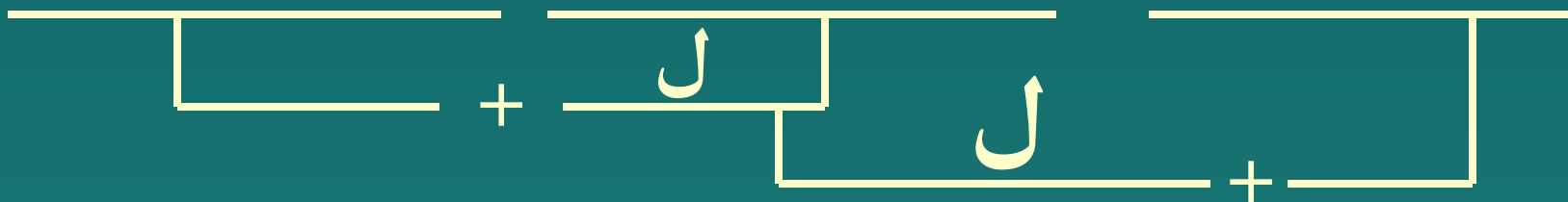
ساخت زبان فارسی

لانه: اگر چند بند که خود دارای روابط داخلی هستند با هم جمع شوند و یکپارچه در شبکه روابط جمله وارد گردند، بر روی هم مجموعه‌ای را بنام لانه (ل) بوجود می‌آورند.

ساخت زبان فارسی

مثال از لانه گیری:

دکتر خودش نبود دستیارش مریض را دید و برایش نسخه نوشت



ساخت زبان فارسی

جمله خوشه‌ای: این جمله از اجتماع
جمله‌های هسته‌ای تشکیل می‌شود. این
جملات بوسیله «و» و «یا» به یکدیگر قلاب
می‌شوند.

فرمول ساختمانی: $ه\ddot{و} + n [ه\ddot{و}]$

ساخت زبان فارسی

مثال از جمله خوشه‌ای با حداقل ساختمان:
معمولاً آنها از چنین طرحی استقبال نخواهند کرد

هـ

اگرچه به نفع آنها باشد

و

و اگر فایده این طرح را بطور عینی ثابت نکنید

آنها نخواهند پذیرفت.

هـ

ساخت زبان فارسی

فصل پنجم

ساختمان بند

ساخت زبان فارسی

تعریف ساختمان بند:

واحدی از زبان فارسی که از یک گروه یا بیشتر ساخته شده باشد و خود در ساختمان جمله بکار می‌رود.

ساخت زبان فارسی

عناصر ساختمانی بند:

(۱) مسند الیه (مس)؛ (۲) متمم (م)؛

(۳) اسناد (۱)؛ (۴) ادات (۵)

ساخت زبان فارسی

جایگاه مسندالیه: محل کارکرد گروه اسمی
(با یک استثناء)

جایگاه متمم: محل کارکرد گروه اسمی

جایگاه اسناد: محل کارکرد گروه فعلی

جایگاه ادات: محل کارکرد گروه قیدی و

گاهی نیز گروه اسمی

ساخت زبان فارسی

ملاکهای شناسایی مسندالیه و متمم:

۱- وجود «را»؛ ۲- مطابقه اسناد با مسندالیه؛

۳- توالی عناصر مثال ۱:



ساخت زبان فارسی

مثال ۲:

داشت
ا

اتوموبیلی
م

الف. راننده‌ای
مس

داشت
ا

راننده‌ای
م

ب. اتوموبیلی
مس

ساخت زبان فارسی

فعل ترکیبی و اجزاء آن:

مثال: باز کردن، احتیاج داشتن، سوار شدن،

فریب دادن

اجزاء:

۱. قسمت غیرفعلی یا متمم

۲. قسمت فعلی یا اسناد

ساخت زبان فارسی

نکته: باستانای یک دسته از افعال ترکیبی،
جزء غیر فعلی تمامی آنها قابل بسط است.

مثال:

دادی	فریب سختی	تو او را
ا	م	مس م

ساخت زبان فارسی

انواع بند از نظر ساخت:

۱- بند مهین: جایگاه اسناد این بند حتماً اشغال می‌شود.

۲- بند کهین: جایگاه اسناد این بند اشغال نمی‌شود (مثال: چشمم روشن)

ساخت زبان فارسی

فرمول ساختمانی بند مهین:

(مس) (م) (د) ۱

مثال ۱: برد

۱

مثال ۲: علی کتاب را برد آنجا

د

۱

م

مس

ساخت زبان فارسی

دستگاههای بند:

۱- دستگاه پرسشی: شبکه‌ای که امکانات مختلف پرسش را در بر می‌گیرد.

۲- دستگاه متمم: شبکه‌ای که امکانات مختلف متمم را در بر می‌گیرد.

ساخت زبان فارسی

۳- دستگاه مطابقه: شبکه‌ای که امکانات
مختلف رابطه بین مسندالیه و اسناد را
در بر می‌گیرد.

ساخت زبان فارسی

بندهای فارسی در بالاترین سطح تحلیل (قشر اول) به دو ریز طبقه پرسشی و خبری تقسیم می‌شوند.

- ریز طبقه پرسشی: دارای کلمات پرسشی، یا آهنگ خیزان، یا هر دو.

- ریز طبقه خبری: فاقد کلمات پرسشی و دارای آهنگ افتان

ساخت زبان فارسی

کلمات پرسشی:

۱- دسته اول: شامل کلماتی که انتخاب آهنگ

خیزان برای آنها اجباری است، مثال:

«آیا، مگر، هیچ»

۲- دسته دوم: شامل کلماتی که انتخاب آهنگ

خیزان یا افتان برای آنها اختیاری است،

ساخت زبان فارسی

مثال:

کجا، کی، چه، چگونه.

ساخت زبان فارسی

وجوه اخباری، التزامی و غیر شخصی در بند
پرسی:

وجه اخباری

۱- می روی؟ ↑

۲- آیا می روی؟ ↑

۳- کی می رود کجا؟ ↙

ساخت زبان فارسی

وجه التزامی

۱- بروم؟ ↑

۲- آیا بروم؟ ↑

۳- چی را چرا بدهم؟ ↙

ساخت زبان فارسی

وجه غیر شخصی

۱- می شود رفت؟[↑]

۲- آیا می شود رفت؟[↑]

۳- کی را کجا می شود برد؟[↙]

ساخت زبان فارسی

ساخت زبان فارسی

تقسیم‌بندی بندهای فارسی از نظر متمم:

در قشر اول می‌توان بندهای فارسی را به دو ریز طبقه تقسیم کرد:

الف- ریز طبقه‌ای که افراد آن دارای متمم هستند.

ب- ریز طبقه‌ای که افراد آن فاقد متمم هستند.

ساخت زبان فارسی

بندهای یک متممی:

۱- بندهای دارای علامت

الف- شناخته (کتاب را خریدم)

ب- ناشناخته: (۱) ساده، (۲) ترکیبی

۲- بندهای بدون علامت

ساخت زبان فارسی

متمم‌های علامت‌دار ناشناخته ساده:

۱- متمم‌هایی که در خود بند دارای مرجعی هستند. این مرجع یا مسندالیه است، یا متمم دیگری در همان بند.

۲- متمم‌هایی که فاقد مرجع در خود بند هستند.

ساخت زبان فارسی

مثال ۱: متمم بدون مرجع

من از او خبری ندارم
مس د م ا

مثال ۲: متمم دارای مرجع

او دانشمند بزرگی است
مس م ا
(مرجع)

ساخت زبان فارسی

متمم‌های بی‌علامت

الف- ریز طبقه‌ای که از یک گروه اسمی تشکیل شده است: (۱) دارای مرجع در بند،

(۲) فاقد مرجع در بند

ب- ریز طبقه ضمائر متصل مفعولی

ساخت زبان فارسی

بندهای دو متممی

این بندها دارای چهار حالت هستند:

۱- دو متمم، هر دو بدون مرجع، مثال:

ز دید	کتک مفصلی	او را	شما
<u> </u>	<u> </u>	<u> </u>	<u> </u>
۱	م	م	مس

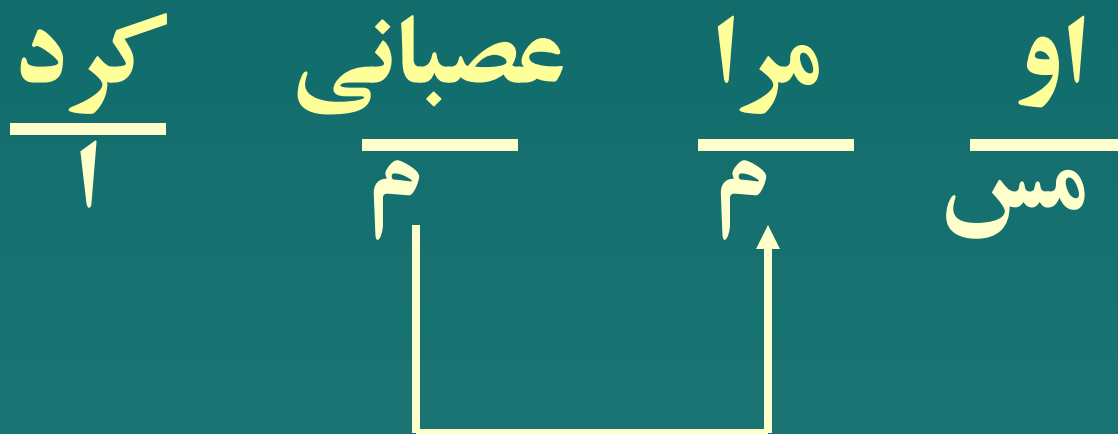
ساخت زبان فارسی

۲- دو متمم، هر دو با مرجع مسندالیه، مثال:



ساخت زبان فارسی

۳- دو متمم، اولی مرجع دومی؛ مثال:



ساخت زبان فارسی

۴- دو متمم، دومی مرجع اولی

کردی

خرابش

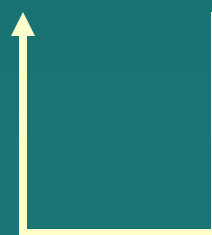
تو

۱

م

م

مس



ساخت زبان فارسی

دستگاه مطابقه

– مطابقه یعنی ارتباط مسندالیه و اسناد از نظر
شخص و عدد

– دستگاه مطابقه شبکه ایست که امکانات
مختلف این رابطه را در بر می گیرد.

ساخت زبان فارسی

هسته گروه اسمی: اسم

اسم:

انسان

۱- جاندار

غیر انسان

۲- بی جان

ساخت زبان فارسی

مثال از مطابقه برای اسامی بی جان و اسامی
غیر انسان

۱- الف - برگها می ریزند.

ب - برگها می ریزد.

۲- الف - گربهها دعوا می کنند.

ب - گربه ناراحت است.

ساخت زبان فارسی

ریز طبقه جاندار انسان:

۱- اول شخص: «من رفتم.»؛ «ما رفتیم.»

۲- دوم شخص: «جنابعالی فرمودید.»؛

«تو گفتی.»؛ «شما گفتید.»

۳- سوم شخص:

«آقای دکتر منزل نیست / نیستند.»

ساخت زبان فارسی

مسندالیه :

۱- ساده: شامل یک گروه اسمی

۲- ترکیبی: شامل دو گروه اسمی یا بیشتر.

این گروهها یا با عوامل پیونده («و»، «یا»)

بهم قلاب شده‌اند، یا بصورت عطف بیان در

کنار هم قرار گرفته‌اند.

ساخت زبان فارسی

مثال از مسندالیه ساده:

پرونده امر به دادسرا احاله شده است.

مس

د

م

ا



ساخت زبان فارسی

مثال از مسندالیه ترکیبی، زنجیری:

نخست وزیر، وزیر مسکن و وزیر بهداشت آمدند



ساخت زبان فارسی

مثال از مسندالیه ترکیبی، عطف بیان:

شما دانش آموزان امروز معلمان فردا خواهید بود



ساخت زبان فارسی

بند کهن:

بندی است که در آن جایگاه اسناد اشغال نشده باشد.

به سلامت

د

بخیر؛

د

شب

مس

مثال:

ساخت زبان فارسی

انواع بند کهن:

۱- بندهای دارای عنصر محذوف به قرینه در
بند مهین.

الف- انشعابی

ب- محاوره‌ای

ساخت زبان فارسی

انواع بند مهین (ادامه):

۲- بندهای بدون عامل محذوف به قرینه در بند مهین. این بندها الزاماً با بند مهین همراه نیستند.

الف- بندهایی که در آنها نقش مس، م و د از یکدیگر باز شناخته می‌شود.

ساخت زبان فارسی

ب- بندهایی که در آنها نقش مس، م و د از یکدیگر شناخته نمی‌شود.

ساخت زبان فارسی

مثال از بند کهن انشعابی:

«جمعیت ایران سالانه به نسبت دو درصد اضافه می‌شود/ و شاید هم بیش از دو درصد.

مثال از بند کهن محاوره‌ای:

گوینده ب

سینما.

گوینده الف

دیشب کجا رفتی؟

ساخت زبان فارسی

مثال از بندهایی که نقش مس، م و ا در آنها مشخص می‌شود:

۱- چشم روشن
مس م

۲- لطف شما زیاد
مس د

مثال از بندهایی که نقش مس، م و ا در آنها مشخص نمی‌شود:

دوست عزیزم؛ ای روزگار شیاه

ساخت زبان فارسی

فصل ششم

ساختمان گروه فعلی

ساخت زبان فارسی

طبقه گروه فعلی جایگاه اسناد را در بند
اشغال می کند.

عناصر ساختمانی گروه فعلی:

(ن) ← عنصر منفی ساز

(ق) ← فعل ناقص

(غ) ← عنصر غیر فعلی

ساخت زبان فارسی

(ف) ← فعل واژگانی

(ل) ← عنصر سازنده مجهول

(ح) ← عنصر سازنده حالت

مثال: نه باید برداشته شود

ساخت زبان فارسی

عنصر «ف» یک فعل واژگانی است که دارای
۲۹ شکل می‌باشد:

الف - ۲۵ شکل شامل صورتهایی که صرف
می‌شوند (مانند مضارع و ماضی)

ب - ۴ شکل شامل صورتهایی که صرف
نمی‌شوند (مانند مصدر کوتاه و اسم مفعول)

ساخت زبان فارسی

ساختمان کلمه فعل از نظر واژکهای سازنده:

۱- پیشوند (پ) ۲- ستاک حال (ت)

۳- عامل سببی (س) ۴- علامت ستاک

گذشته (گ) ۵- پی بندهای فعلی (پی)

ساخت زبان فارسی

مثال از ساختمان کلمه فعل:

→ پی گ س ت پ

1. mi par a:n id am

2. — gof— t ∅

3. be gu — — i

ساخت زبان فارسی

ساخت زبان فارسی

پی بند:

- ۱- عامل سازنده مصدر (-an)؛ (رفتن)
- ۲- عامل سازنده اسم مفعول (-e)؛ (رفته)
- ۳- ضمایر متصل فاعلی (دارای ۶ عضو) (رفتی)

ساخت زبان فارسی

ساخت زبان فارسی

طبقات واژگی که جایگاههای ستاک حال (ت) و علامت ستاک گذشته (گ) را اشغال می کنند:

- ۱- مصدر منهای علامت مصدر = ستاک گذشته
- ۲- ستاک گذشته منهای علامت ستاک گذشته
(t/d/id/a:d:) ± تغییرات صوتی = ستاک حال

ساخت زبان فارسی

صیغه‌های فعلی که از ستاک گذشته ساخته می‌شوند:

- ۱- ماضی مطلق (MIM) : (خوردم)
- ۲- ماضی استمراری (ME) : (می‌خوردم)
- ۳- اسم مفعول (EMI) : (خورده)
- ۴- اسم مفعول استمراری (EE) : (می‌خورده)

ساخت زبان فارسی

صیغه‌های فعلی که از ستاک حال ساخته می‌شوند:

الف - مضارع (MZ): (می‌خورم)

ب - التزامی (EL): (بخورم)

ج - امر (AM): (بخور)

ساخت زبان فارسی

عامل سببی (س): این طبقه فقط دارای یک
عضو است: -a:n

مثال: دواندن؛ خوراندن و پراندن / پرانیدن

ساخت زبان فارسی

عناصر ساختمانی گروه فعلی:

(ن) (ق) (غ) ف (ل) (ح)

- پنج عنصر اختیاری و یک عنصر اجباری.

ساخت زبان فارسی

عنصر سازنده منفی (ن) در ساختمان گروه فعلی:

این طبقه دارای یک عضو می باشد که دارای دو گونه است: na / ne

مثال: نرو (نهی)؛ نرفت (نفی)؛ نمی رود (نفی)

ساخت زبان فارسی

عنصر ساختمانی «ق»: افعال ناقص دارای تمام ۲۹ صورت صرفی نیستند.

ریز طبقات افعال ناقص:

۱- آنهایی که برای شخص و عدد صرف نمی‌شوند

(ق ۱) باید؛ می‌توان

۲- آنهایی که برای شخص و عدد صرف می‌شوند

ساخت زبان فارسی

ریز طبقه افعال ناقصی که برای شخص و عدد
صرف می‌شوند:

۱- افعالی که دارای صیغه‌های ماضی و حال هر
دو هستند؛ (ق ۲): داشتن

۲- افعالی که فقط دارای صیغه‌های حال هستند؛
(ق ۳): خواستن

ساخت زبان فارسی

ساخت زبان فارسی

فعل داشتن: بعنوان فعل معین همراه با فعل
واژگان بکار می‌رود و یک نوع استمراری
می‌سازد:

دارم می‌روم؛ داشتند می‌رفتند

ساخت زبان فارسی

فعل خواستن: بعنوان فعل معین همراه با فعل
واژگانی بکار می‌رود و صورت آینده را
می‌سازد:

خواهم رفت؛ خواهند رفت؛ کشته خواهد
شد

ساخت زبان فارسی

عنصر غیر فعلی (غ) در ساختمان گروه فعلی:

– این عنصر از جنس فعل نیست.

– تمامی عناصر غیر فعلی به یک طبقه

دستوری بسته تعلق دارند.

مثال: باز آمدن؛ پیش بردن

ساخت زبان فارسی

عنصر سازنده مجهول (ل): شدن

مثال:

گروه فعلی

ل	ف
شد	کشته
شود	خورده

ساخت زبان فارسی

نکته: شدن به عنوان فعل واژگانی:

ا(ف)

شد

می شود

م

خوشحال

بیمار

ساخت زبان فارسی

عنصر ساختمانی حالت (ح): بودن

- وقتی بودن در جایگاه حالت قرار گیرد، با یک فعل واژگانی همراه می‌شود و دارای ۱۸ صورت می‌باشد.

مثال: رفته‌ام ، رفته بودم، رفته باشم

ساخت زبان فارسی

دستگاه‌های گروه فعلی:

در گروه فعلی زبان فارسی سه دستگاه
همزمان وجود دارد.

ساخت زبان فارسی

دستگاه شماره یک گروه فعلی:

۱- طبقه خود ایستا: افراد این طبقه می توانند در جایگاه اسناد بند آزاد قرار گیرند.

۲- طبقه ناخود ایستا:

۱- ریز طبقه مصدر

۲- ریز طبقه اسم مفعول

ساخت زبان فارسی

مثال از ریز طبقه مصدر:

بچه را تنبیه کردن ثمر بخش نیست

ا

م

مس

(بند واژگون)

ساخت زبان فارسی

مثال از ریز طبقه اسم مفعول:

۱- هنوز نیامده رفت.

۲- بچه رنگ پریده روی صندلی نشسته بود.

ساخت زبان فارسی

طبقه افعال خود ایستا:

۱- طبقه غیر شخصی: این افعال در بندهایی دیده می‌شوند که فاقد مسندالیه هستند.

- گروههای این طبقه از نظر وجه:

الف- التزامی (بتوان گفت)

ساخت زبان فارسی

- ب- اخباری: (۱) حال (باید دید)
(۲) گذشته (می شد رفت)

ساخت زبان فارسی

طبقه افعال خود ایستا : (ادامه)

۲- طبقه شخصی: گروههایی که در این طبقه قرار می گیرند از سه دستگاه شخص، عدد و وجه بطور همزمان انتخاب می کنند.

ساخت زبان فارسی

انشعابات وجه التزامی:

الف- وجه التزامی مطلق:

(۱) بدون فعل کمکی «باید»

(۲) با فعل کمکی «باید»

ب- وجه التزامی ترکیبی: (۱) بدون فعل

کمکی «باید»؛ با فعل کمکی «باید»

ساخت زبان فارسی

مثال از وجه التزامی مطلق:

(۱) بروم

(۲) باید بروم

مثال از وجه التزامی ترکیبی:

(۱) رفته باشم؛ (۲) باید رفته باشم.

ساخت زبان فارسی

انشعابات وجه اخباری:

۱. آینده

۲. گذشته: (۱) غیر استمراری؛ (۲) استمراری

۳. حال: (۱) غیر استمراری؛ (۲) استمراری

ساخت زبان فارسی

گذشته غیر استمراری:

الف - مطلق: رفتم؛ دیدیم

ب - ترکیبی: رفته بودم؛ دیده بودیم

(فرمول ب: ف (EM) + ح (MIM))

ساخت زبان فارسی

ساخت زبان فارسی

گذشته استمراری:

الف- مطلق: ۱) می رفتم ۲) باید می رفتم

ب- ترکیبی: داشتم می رفتم

(فرمول ب: ق ۲ (MM) + ف (ME))

ساخت زبان فارسی

انشعابات حال یا مضارع:

۱. ریز طبقه استمراری

۲. ریز طبقه غیر استمراری

ساخت زبان فارسی

ریز طبقه استمراری:

الف- ترکیبی a: دارم می روم

ب- ترکیبی b: می رفته است.

(فرمول ب: ف (EE) + ح (MZ))

ساخت زبان فارسی

ریزطبقه غیر استمراری:

الف - مطلق: می خورم؛ می بینم

ب - ترکیبی: خورده‌ام؛ دیده‌ام

(فرمول ب: ف (EM) + ح (MZ))

ساخت زبان فارسی

دستگاه شماره دو گروه فعلی:

دارای امکان مثبت و امکان منفی

(مثال: «کشته نشد.»)

دستگاه شماره سه گروه فعلی:

دارای دو امکان معلوم و مجهول است. مثال:

مجهول: کشته شد

معلوم: کشت

ساخت زبان فارسی

فصل هفتم

ساختمان گروه اسمی

ساخت زبان فارسی

ملاک تشخیص عناصر ساختمانی گروه اسمی:

اضافه (e/ye)، مثال:

این یک نشریه دوستاناران سازمان ملل

ش س ر

هسته: اولین کلمه ای که پس از آن اضافه

قرار می گیرد.

ساخت زبان فارسی

وابسته‌های پیشرو (ش): تعداد این وابسته‌ها
حداکثر ۴ می‌باشد، مثال:

این	یک	نفر	پیر	زن	بیچاره
۴	۳	۲	۱		
ش			س	ر	

ساخت زبان فارسی

- طبقه‌ای که در جایگاه ش ۱ قرار می‌گیرد شامل عناصر اسم و صفت است.

- طبقه‌ای که در جایگاه ش ۲ قرار می‌گیرد شامل چهار ریز طبقه است:

۱- ریز طبقه محدود ۲- ریز طبقه صفات عالی

۳- ریز طبقه اعداد وصفی

ساخت زبان فارسی

۴- یک ریز طبقه ۱۴ عضوی

ساخت زبان فارسی

- طبقاتی که در جایگاههای ش ۳ و ش ۴ قرار می گیرند به ترتیب شامل عدد و افرادی از یک طبقه بسته اند که دارای ۷ عضو است،
مثال:

<u>بچه</u>	<u>دختر</u>	<u>تا</u>	<u>دو</u>	<u>این</u>
	۱	۲	۳	۴
_____	_____			
س			ش	

ساخت زبان فارسی

وابسته‌های پی‌رو (ر): هر هسته می‌تواند ۵
ولبسته پی‌رو داشته باشد، مثال:

بوف کور معروف هدایت را که به چند زبان
ترجمه شده است (تجدید چاپ کرده‌اند)

بوف (س) – کور (ر۱) – معروف (ر۲)

هدایت (ر۳) – را (ر۴)

ساخت زبان فارسی

که به چند زبان ترجمه شده است (۵)

ساخت زبان فارسی

- عنصر ساختمانی (ر ۱): معمولاً از نوع اسم است.
- عنصر ساختمانی (ر ۲): معمولاً از نوع صفت است و با عنصر (ر ۳) ارتباط محکمی ندارد.
- انتخاب از عناصر (ر ۲) می تواند مکرر باشد،

ساخت زبان فارسی

مثال:

کتاب	بزرگ	قشنگ	قرمز	مریم
<u>س</u>	<u>ر</u>	<u>ر</u>	<u>ر</u>	<u>ر</u>
	1	2	3	

ساخت زبان فارسی

ساخت زبان فارسی

عنصر ساختمانی ر ۳: طبقه‌ای که در این جایگاه قرار می‌گیرد به سه ریز طبقه تقسیم می‌شود:

۱- ریز طبقه ضمائر (میز تحریر من / خودم ، کتابم)

۲- ریز طبقه اسم

۳- یک ریز طبقه یک عضوی؛ - ای / i /

ساخت زبان فارسی

عنصر ساختمانی ر۴: «را»

مثال:

دختر	کوچک	او	را	دیدم
س	ر۲	ر۳	ر۴	۱

ساخت زبان فارسی

عنصر ساختمانی ر ه: طبقه‌ای که در این جایگاه قرار می‌گیرد از نوع جمله، بند و یا گروه قیدی واژگون مرتبه است، مثال:

لباسهای نو او را که از مغازه سر پل خریده است...
س ر ۲ ر ۳ ر ۴ ر ه

ساخت زبان فارسی

-در جایگاه ره می توان هم از گروههای قیدی و هم از بندهای واژگون انتخاب کرد:

انتقاد منطقی او از کار دستگاه که در نوع خود بی سابقه بود حسن اثر بخشیده است.

انتقاد (س) - منطقی (ر۲) - او (ر۳)

از کار دستگاه (ر۵-۱) که در نوع خود بی سابقه بود (ر۵-۲)

ساخت زبان فارسی

تتابع اضافات را می‌توان با بکارگیری یک
گروه قیدی شکست:

مثال: استادِ روانشناسیِ دانشکدهِ ادبیاتِ
دانشگاهِ تهران ←

استادِ روانشناسی در دانشکده ادبیات دانشگاه

گروه قیدی

تهران

ساخت زبان فارسی

عنصر ساختمانی هسته (س):

این عنصر معمولاً از مقوله اسم است؛ مثال:

۱- بزرگترین برادر او

ش ۲ س ر ۳

۲- رفتن تو صلاح نیست

س ر ۳

۱

م

مس

ساخت زبان فارسی

دستگاه‌های گروه اسمی:

۱- عدد (مفرد و جمع)

۲- شخص (اول شخص، دوم شخص، سوم شخص)

۳- شناختگی

ساخت زبان فارسی

دستگاه شناختگی دارای سه امکان است و با
دستگاه شخص برخورد دارد:

۱- شناخته (معرفه)

۲- ناشناخته (نکره)

۳- جنس

ساخت زبان فارسی

تکرار همپایه در گروه اسمی:

وابسته‌ها و هسته‌ها می‌توانند با کمک عامل

پیونده «و» و «یا» گسترش یابند، مثال:

<u>کشور</u>	<u>تلفن</u>	<u>و</u>	<u>تلگراف</u>	<u>و</u>	<u>پست</u>
ر	س		س		س
۳	3		2		1

ساخت زبان فارسی

فصل هشتم

ساختمان گروه قیدی

+

فصل نهم

ساختمان کلمه

ساخت زبان فارسی

تعریف ساختمان‌های گروه قیدی: این گروه از یک کلمه یا بیشتر ساخته می‌شود و جایگاه ادات (د) را در بند اشغال می‌کند، مثال:

مرد مجروح در اثر خونریزی درگذشت

۱

د

مس

ساخت زبان فارسی

طبقه‌بندی گروه‌های قیدی:

۱- گروه‌های بدون علامت صوری

۲- گروه‌های با علامت صوری

ساخت زبان فارسی

گروه‌های قیدی بدون علامت صوری:

۱- ریز طبقه باز واژگانی (مانند همیشه، هنوز، بارها، چطور، خیر)

۲- ریز طبقه بسته دستوری (مانند اگر، وقتیکه، اما، چنانکه)

ساخت زبان فارسی

گروههای قیدی با علامت صوری:

۱- دارای تنوین (مانند اتفاقاً، احیاناً، زباناً)

۲- دارای حرف اضافه:

ساخت زبان فارسی

ساختمان گروه قیدی با حرف اضافه

پیوند دنباله (گروه اسمی)

حرف اضافه + (رابطه)

(ش) س (ر)

یا

(رابطه) + حرف اضافه

ساخت زبان فارسی

مثال از گروه قیدی با حرف اضافه:

عطف به نامه شماره ۱۲۰

رابطه حرف اضافه س ر

دنباله

پیوند

ساخت زبان فارسی

مثالهای دیگر از گروه قیدی با حرف اضافه:

در / سال گذشته؛ به / ضرر دولت؛

برای / کمک رسانی؛ در نتیجه / کارهای نیک؛

به دنبال / گزارشهای رسیده؛

دور از / چشم او.

ساخت زبان فارسی

حروف اضافه:

۱- حروفی که «اضافه» نمی‌پذیرند، مانند

«از، با، بر، در»

۲- حروفی که «اضافه» می‌پذیرند؛ مانند

«برای، کنار، بدون، پشت»

ساخت زبان فارسی

گروههای قیدی دارای حرف اضافه:

۱- ناگسیخته، مثال:

من به کسی که این کار را کرده‌است مدیون هستم
مس د م ت

ساخت زبان فارسی

۲- گسیخته، مثال:

من به کسی مدیون هستم که این کار را کرده است



د

ساخت زبان فارسی

- بسیاری از گروههای اسمی نیز می توانند جایگاه اادات را اشغال کنند:

۱- برخی از اعضای ریز طبقه صفت

۲- گروههای اسمی که از نظر معنا بر زمان دلالت می کنند

۳- گروههای اسمی که از نظر معنا بر مکان دلالت می کنند.

ساخت زبان فارسی

تعریف ساختمانی کلمه: کلمه واحدی است که از یک واژک یا بیشتر ساخته شده است. در قشر اول تجزیه کلمه مرکب از ۳ عنصر است:

پیشوند پایه پسوند
————— —————
پ پا پس

ساخت زبان فارسی

فرمول ساختمانی کلمه:

(پ) پنا (پس)

مثال ۱: چرخ + - (چرخه)
پا پس

مثال ۲: پرخاش + گر + ای (پرخاشگری)
پا پس ۱ پس ۲

ساخت زبان فارسی

مثال ۳:

پرده + در + ای (پرده دری)

پا ۱ پا ۲ پس

جامعه + شناس + ای (جامعه شناسی)

ساخت زبان فارسی

مثال ۴:

بی + قرار + ای (بیقراری)

پ پا پس

نا + شنو + آ (ناشنوا)

ساخت زبان فارسی

مثال ۵: کلمه فعل

می + دو + ان + اید + ای (می دوانیدی)

پ پا پس ۱ پس ۲ پس ۳

ساخت زبان فارسی

مثال ۶: کلماتی که اجزاء آنها با «و» با هم ترکیب می‌شوند:

شس + ت + و شو



پا پس

پا ۲

پا ۱

www.salampnu.com

سایت مرجع دانشجوی پیام نور

- ✓ نمونه سوالات پیام نور : بیش از ۱۱۰ هزار نمونه سوال همراه با پاسخنامه
- تستی و تشریحی
- ✓ کتاب ، جزوه و خلاصه دروس
- ✓ برنامه امتحانات
- ✓ منابع و لیست دروس هر ترم
- ✓ دانلود کاملاً رایگان بیش از ۱۴۰ هزار فایل مختص دانشجویان پیام نور

www.salampnu.com